

# بررسی آثار تحریم بر قراردادهای نفتی بین المللی

نویسندگان: ۱-راحله سید مرتضی حسینی ۲-آرزو ملکشاه\*

۱-ایران، تهران، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی، کدپستی ۱۴۹۱۱-۱۵۷۱۹

۲-ایران، تهران، دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی، کدپستی ۱۴۹۱۱-۱۵۷۱۹.

Amalekshah۷۲@yahoo.com

## چکیده

یکی از ابزارهای اقتصادی و سیاسی برای تحمیل خواسته‌ها و تأمین منافع یک کشور به کشور دیگر استفاده از ابزار تحریم است. کشور صاحب نفوذ با همراهی سایر کشورها با اعمال محدودیت‌هایی اهداف مورد نظر خود را بر کشور دیگر تحمیل می‌کند. نمونه آن وضعیتی است که با تحریم برخی کشورها در صنعت نفت ایران بوجود آمده است. یکی از پیامدهای این تحریم‌ها اثرگذاری آن بر قراردادهای نفتی بین المللی و خروج اجباری شرکت‌های نفتی بین المللی خارجی از ایران است. نفت ایران همواره به عنوان یکی از قطب‌های مهم تولید انرژی مورد توجه بوده است. به ویژه آن که تولید نفت در ایران به ابتکار سرمایه‌گذاری خارجی شروع شد. در این مقاله سؤال اصلی این است که تحریم چه آثاری بر قراردادهای نفتی بجا می‌گذارد؟ سرنوشت قرارداد پس از تحریم به چه شکل خواهد شد؟ در این مقاله تحریم را از منظر فورس ماژور و تغییر اوضاع و احوال بنیادین مورد بررسی قرار داده و در پایان راهکارهایی برای برون رفت از این چالش ارائه شده است.

کلیدواژه: قراردادهای نفتی، تحریم، شرکت‌های نفتی بین المللی، فورس ماژور، تغییر بنیادین اوضاع و احوال.

Review the effects of sanctions on international oil contracts

Authors : rahele syyed morteza hossini , arezoo malekshah

One of the economic and political tools to impose demands and provide the interests of a country to another country is to use the sanctions tool. The country of influence, along with other countries, imposes its goals on other countries by imposing restrictions. An example is a situation that has been created by boycotting some countries in the Iranian oil industry. One of the implications of these sanctions is its impact on international oil contracts and the forced withdrawal of foreign international oil companies from Iran. Iran's oil has always been regarded as one of the important energy producing poles. In particular, oil production in Iran began on the initiative of foreign investment. The main question in this article is what sanctions affect oil contracts? What will be the fate of the agreement after the boycott? This article examines the sanctions in terms of force majeure and the changing circumstances of the situation and, in the end, solutions have been proposed to overcome this challenge.

Key word: Oil contracts, sanctions, international oil companies, major trade, fundamental changes to the situation.

در سال‌های اخیر با بالا گرفتن مناقشات مربوط به فعالیت‌های انرژی هسته‌ای در ایران و اعمال چهار تحریم از سوی شورای امنیت سازمان ملل بر علیه ایران، شاهد اثرات منفی آن در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به‌ویژه سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع بالادستی نفت و گاز هستیم که از جمله دلیل بر این مدعا، عدم تحقق در بخش افزایش تولید نفت خام در برنامه توسعه چهارم که می‌بایست متوسط تولید نفت خام ایران در پایان برنامه (سال ۱۳۸۸) به بیش از چهار میلیون و نهصد هزار بشکه در روز برسد که به علت عدم سرمایه‌گذاری لازم در این بخش هدف برنامه محقق نشد. [۱] تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران عامل دیگری است که با افزایش هزینه مبادله و افزایش نا اطمینانی در فضای سرمایه‌گذاری، تمایل سرمایه‌گذاران را علی‌رغم وجود سودهای قابل توجه تضمین شده به سرمایه‌گذاری و مشارکت در پروژه‌های بخش نفت و گاز ایران کاهش داده است. یکی از اولین گام‌های ایالات متحده برای تحریم بخش انرژی ایران، محدود کردن میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی در صنعت نفت ایران بوده است. علاوه بر اعمال سقف سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران، ایالات متحده از طریق نفوذ خود در بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، ایران را از دریافت وام‌های مؤثر بلندمدت محروم نموده است. همچنین آمریکا در طی سال‌ها به دنبال متوقف ساختن همکاری‌های بانک‌های خصوصی و همچنین اعتبارات دولتی با دولت و شرکت‌های ایرانی بوده است. به این ترتیب، سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های نفت و گاز کشور تصویری مبهم دارد. پس از شدت گرفتن تحریم‌ها در سال‌های اخیر، سرمایه‌گذاری خارجی در ایران محدود گردیده که یکی از دلایل اصلی این امر این است که شرکت‌های خارجی به دلیل فشار ایالات متحده بر بانک‌های بین‌المللی برای قطع همکاری با ایران برای تأمین مالی پروژه‌های انرژی در داخل ایران با مشکل مواجه می‌باشند. یکی از مواردی که ممکن است باعث اختلال در اجرای پروژه‌های نفتی شود بحث تحریم می‌باشد. اگر به درستی مدیریت نشود تاثیرات منفی در قرارداد ممکن است بجا بگذارد. تحریم می‌تواند ضمن تأثیر بر دولت میزبان، شرکت سرمایه‌گذار را در اجرای تعهداتش دچار اختلال و مشکل نماید گاهی اوقات ممکن است شدت این تأثیر به میزانی باشد که عملاً امکان ادامه فعالیت فراهم نباشد و گاهی اوقات باعث دشواری در انجام تعهد خواهد شد. تحریم به‌عنوان ابزاری برای اعمال فشار در بسیاری اوقات، ارتباط بسیار نزدیکی با موضوع تغییر شرایط بنیادین زمان عقد پیدا می‌کند بسیاری از حقوقدانان در فرض اول، تحریم را در زمره مصادیق فورس ماژور قرار داده و مجوز عدم اجرای تعهد را برای متعهد صادر می‌نمایند؛ اما در مواردی که اجرای تعهد غیرممکن نشده ولی بسیار دشوار یا پرهزینه شده است آیا می‌تواند از مصادیق تغییر اوضاع و احوال محسوب شود. برای پاسخ به این سؤال ابتدا مفهوم تحریم را توضیح و انواع آن را بررسی می‌نماییم سپس به تأثیر آن بر قرارداد خواهیم پرداخت.

## ۱- تعریف مفاهیم

قبل از ورود به بحث تحریم، ابتدا ضروری است تا منظور از این اصطلاح را مورد بررسی قرار دهیم.

### ۱-۱ مفهوم تحریم

تعاریف مختلفی از تحریم توسط نویسندگان مطرح شده است. در فرهنگ لغت و اصطلاحات سیاسی، تحریم به معنی اجازه دادن، تصویب کردن، مجازات، جریمه و ضمانت اجرایی آمده است. [۲] در نظر دیگری آمده است که تحریم را می‌توان به «تدابیر قهرآمیز اقتصادی علیه یک کشور یا چند کشور به منظور ایجاد تغییر در سیاست‌های کشور مورد هدف تحریم و یا دسته کم بازگوکننده نظریات کشور تحریم کننده در مقابل تحریم شونده» تعریف نمود. [۳] در واقع می‌توان گفت تحریم نوعی خودداری از برقراری روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی با یک کشور یا دولت است برای مجازات آن دولت یا الزام به تغییر رفتار. اگرچه در تحریم‌ها به نوعی تنبیه هم وجود دارد اما تنها برای به‌سختی انداختن مردم در کشورهای تحت تحریم نمی‌باشد بلکه هدف اصلی، ایجاد تغییر در رفتار سیاسی دولت می‌باشد. برخی نیز عامل بازدارندگی را به‌عنوان مهم‌ترین کارکرد تحریم مطرح می‌کنند. [۴] در مجموع در تعریفی جامع‌تر، تحریم عبارت از امتناعی نظام‌یافته در برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا مجموعه‌ای از دولت‌ها جهت تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول است. باین وجود چهره تحریم بیشتر در روابط اقتصاد بین‌الملل آشکار می‌گردد؛ آنجا که کالاها و خدمات یک دولت خاص بایکوت می‌شود. [۵]

### ۲-۱ انواع تحریم

تحریم‌ها ممکن است به دو گونه اجبار کننده و کنترل‌گرایانه باشند. تحریم‌ها از سه منظر هدف، مخاطب و نحوه اجرا با یکدیگر متفاوت می‌باشند. [۶] تحریم از نظر هدف به دودسته تقسیم می‌شوند: ۱- تحریم باهدف استراتژیک: منافع استراتژیک یک کشور در معرض خطر

قرار می‌گیرند. در این حالت، تحریم، جانشین جنگ می‌شود. ۲- تحریم باهدف تغییر رفتار: در این حالت تحریم برای وادار کردن دولت به تغییر رفتار می‌باشد و هدف تحریم، بی‌ثبات کردن دولت یا تغییر رژیم آن نیست. [۷] تحریم از نظر مخاطب به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱- تحریم یک‌جانبه که در آن کشور تحریم‌کننده با تصمیم خود و بر اساس سیاست و امنیت ملی خود، اقدام به تحریم کشور دیگر می‌نماید. [۸] ۲- تحریم چندجانبه که توسط چند کشور اعمال می‌شود. بدین‌صورت که ممکن است کشورهای دیگری از کشور تحریم‌کننده پیروی کنند. [۹] ۳- تحریم سازمان ملل که از سوی شورای امنیت علیه کشور موردنظر اعمال می‌شود.

تحریم از نظر روش یا نحوه اجرا را می‌توان به دودسته تقسیم نمود: ۱- تحریم اولیه: به تحریمی گفته می‌شود که تنها به رابطه دو کشور تحریم شده و مجری تحریم مربوط می‌شود. در این تحریم، یک کشور از برقراری رابطه اقتصادی با کشور دیگر خودداری می‌نماید و این موضوع محدود به روابط میان طرفین می‌باشد. ۲- تحریم ثانویه: در این تحریم، کشور تحریم‌کننده نه‌تنها رابطه‌اش با کشور هدف را محدود یا قطع می‌نماید بلکه از ارتباط با سایر کشورهایی که با کشور تحریم شده در ارتباط می‌باشند نیز خودداری می‌نماید. در این نوع، دامنه تحریم گسترش پیدا کرده و علاوه بر کشور هدف کشورهای دیگری را هم در برمی‌گیرد. حتی در مواردی کشور تحریم‌کننده به این هم بسنده نکرده و برای کشورها یا شرکت‌هایی که با کشور تحریم شده در ارتباط می‌باشند مجازات<sup>۱</sup> در نظر می‌گیرد. [۱۰]

## ۲- پیشینه تحریم‌های نفتی علیه ایران

پس از وقایع انقلاب اسلامی و به دنبال آن، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، این کشور تصمیم گرفت اقداماتی تنبیهی علیه ایران اتخاذ کند که یکی از این اقدامات، اعمال تحریم‌هایی در زمینه‌های گوناگون و به‌ویژه در بخش نفت و انرژی است. تلاش‌های آمریکا در این زمینه روزبه روز گسترده تر می‌شد و بارزترین جلوه آن، طرح قانون داماتو در ۲۵ ژانویه ۱۹۹۵ در کنگره باهدف قطع کامل روابط تجاری میان ایران و آمریکا بود. پس‌از آن کلینتون طی دستورات اجرایی صادره در سال ۱۹۵۲ آمریکا را از سرمایه‌گذاری در بخش انرژی ایران و سپس از تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران به‌طور کلی منع می‌کرد. سپس در ۱۹۹۶ قانون تحریم‌های نفتی ایران تصویب شد. با تصویب قانون داماتو - کندی در تاریخ ۵ اوت ۱۹۹۶ یا قانون مجازات ایران و لیبی، هرگونه سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در سال برای توسعه بخش نفت و گاز در ایران و لیبی توسط هر شرکتی در دنیا ممنوع شد. [۱۱]

قانون تحریم‌های ایران، ریشه کلیه تحریم‌هایی است که در ایالات‌متحده به‌منظور مجبور نمودن شرکت‌های خارجی انرژی به خروج از بازار ایران طراحی و تصویب شده است. بر اساس این قانون، از میان تحریم‌های نه‌گانه، سه تحریم باید اعمال شود و این، به معنی افزایش شدت تحریم‌ها از نظر کمی است. هم‌چنین برخی استثنائات مندرج در قانون قبلی از جمله فروش تجهیزات مربوط به انرژی به ایران را در این مصوبه حذف شد و مشمول تحریم قرار گرفت. بر اساس بند ۶ ماده ۱۰۲ این مصوبه، شرکت‌های خارجی ملزم شده‌اند به‌عنوان شرط پذیرش قرارداد با دولت آمریکا، به آژانس مرتبط با دولت گواهی دهند که شرکت آن‌ها و هر شرکت دیگری که تحت مالکیت یا کنترل آن‌هاست از مقررات تحریم‌های ایران تخطی نخواهد ورزید و ضمانت اجرای اثبات عدم صحت گواهی مذکور، فسخ قرارداد موردنظر یا اعمال تدابیر تنبیهی خواهد بود. [۱۱] مطابق با بند ۲۳ تحریم‌های اتخاذشده توسط اتحادیه اروپا در ژوئیه ۲۰۱۰، کشورهای عضو اتحادیه اروپا نیز بایستی فروش، عرضه و یا انتقال هرگونه تجهیزات و فناوری‌های کلیدی و همچنین کمک‌های تخصصی و مالی که می‌تواند در بخش‌های کلیدی صنعت نفت و گاز طبیعی ایران مورد استفاده قرار گیرد را ممنوع نمایند. در عین حال کشورهای عضو باید هرگونه سرمایه‌گذاری‌های جدید در بخش‌های مذکور ایران را ممنوع نمایند. تحریم‌های نفتی تنها محدود به میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی انرژی و ایجاد محدودیت برای جریان مالی متکی به حضور آن‌ها در ایران نشده و بعد از مدتی با شدت گرفتن تحریم‌های نفتی علیه بخش نفت کشور و تهدیدهای ایالات‌متحده، شرکت‌های متعددی مجبور به خروج از پروژه‌های نفت و گاز ایران شده و یا متعهد به خروج در افق زمانی معین و همچنین عدم ارسال فرآورده‌های پالایشی به‌ویژه بنزین به ایران گردیدند که این به دلیل افزایش هزینه مبادله و ریسک سرمایه‌گذاری بخش نفت و گاز ایران به دنبال وضع تحریم‌ها علیه کشور است.

بنابراین، قانون جامع تحریم ایران، کامل‌ترین و جامع‌ترین قانون تحریم ایران است که قوانین و دستورات پیشین را در یک سند گردآوری کرده است و شامل موارد زیر است: تحریم سرمایه‌گذاری برای توسعه منابع نفتی ایران؛ تحریم همکاری برای تولید محصولات پالایش شده بنزین در ایران؛ تحریم محصولات پالایشگاهی ایران؛ تحریم انتقال فناوری‌های هسته‌ای؛ تحریم سرمایه‌گذاری در حوزه‌های انرژی در ایران؛ برخی تحریم‌ها برای سازمان‌ها و نهادها و افراد ناقض حقوق بشر. با نگاهی به اسناد مشمول تحریم‌های انرژی ایران از سوی آمریکا این نتیجه حاصل می‌شود که این کشور شدیدترین تحریم‌ها را بر بخش انرژی ایران وضع نموده که نه‌تنها افراد و شرکت‌های آمریکایی را از

<sup>۱</sup> - مانند قانون داماتو آمریکا علیه ایران

هرگونه رابطه با ایران ممنوع می‌کند، بلکه تحریم‌های این کشور واجد وصف فرا سرزمینی بوده و با اعمال ممنوعیت‌ها و فشارهای تجاری و مالی اشخاص حقیقی و حقوقی متبوع دولت‌های دیگر را از هرگونه سرمایه‌گذاری، خرید و فروش، انتقال فناوری‌های نفتی، همکاری مشترک و ... با ایران بازمی‌دارد که در نتیجه این ممنوعیت‌ها کشورهای دیگر ناتوان از اجرای بسیاری از تعهدات و قراردادهای خود در مقابل ایران شدند. [۱۲] تحریم‌های امریکا و اتحادیه اروپا باعث شد که اکثر شرکت‌های نفتی از سرمایه‌گذاری در ایران اجتناب نمایند و به تبع آن موجب شده که کشور در بخش سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی با چالش جدی مواجه شود. ضمن آن‌که برخی شرکت‌ها در حین انجام پروژه، آن را رها کنند و این موجب آسیب جدی به اقتصاد کشور و مبهم ماندن قرارداد می‌شود.

### ۳- راهکارهای مواجهه با تحریم

تحریم در دو حالت ممکن است بر قرارداد اثر بگذارد. یکی در زمان انعقاد قرارداد و دیگری در زمان اجرای قرارداد. مورد اول از بحث خارج است اولاً به این دلیل که تغییر اوضاع و احوال در زمان اجرای قرارداد، موضوع بررسی هست و ثانیاً این‌که در چنین حالتی طرفین با آگاهی از تحریم، اقدام به انعقاد قرارداد نموده‌اند و در نتیجه با اطلاع از پیامدهای آن و پذیرش عواقب به توافق رسیده‌اند؛ اما در فرضی که تحریم در طول اجرای قرارداد به وجود بیاید می‌تواند باعث دشوار شدن اجرای تعهد و یا بر هم خوردن تعادل قراردادی شود. به‌طور مثال تحریم می‌تواند باعث تورم شود و این تورم می‌تواند بر شرکت نفتی سرمایه‌گذار تأثیر منفی بگذارد. از سویی تأمین مالی پروژه با مشکل روبرو می‌شود زیرا مؤسسات مالی و بانک‌های خارجی از دادن وام و تسهیلات منع می‌شوند و این امر می‌تواند فشار مالی بر سرمایه‌گذار خارجی را بسیار نماید. [۱۳] برخی قراردادهای نفتی طولانی‌مدت هستند، بنابراین نیازمند گردش مالی در طول دوره اجرای قرارداد می‌باشند و در نتیجه تحریم باعث ایجاد مشکلات بسیار در نقل و انتقال سرمایه خواهد شد.

از دیگر سو تحریم می‌تواند در زمینه ورود کالاها و تجهیزات مورد نیاز محدودیت یا ممنوعیت‌هایی را ایجاد نماید. مثل ممنوع شدن فروش برخی از تجهیزات مورد نیاز به کشور یا شرکت‌های طرف قرارداد دخیل در پروژه. عدم تأمین تجهیزات یا تأخیر در تأمین آن‌ها می‌تواند منجر به تأخیر در اجرای پروژه و عقب افتادن از برنامه زمان‌بندی شود. افزایش قیمت‌ها و نامعلوم بودن چگونگی تغییرات، می‌تواند تأمین تجهیزات مورد نیاز را با چالش‌های بسیاری روبرو نماید. [۱۴] از سویی این عوامل ممکن است باعث افزایش هزینه‌های سرمایه‌ای بیش از سقف مورد توافق شود. با توجه به آنچه بیان شد، تحریم می‌تواند به‌نوعی باعث تغییر شرایط اولیه قرارداد شود به‌گونه‌ای که انجام آن را بسیار دشوار نموده یا تعادل اقتصادی قرارداد را بر هم بزند یا منجر به افزایش هزینه‌های اجرای پروژه گردد. از این رو در صورتی که همراه با عنصر غیرقابل پیش‌بینی بودن باشد می‌تواند به‌عنوان یکی از مصادیق تغییر بنیادین اوضاع و احوال محسوب شود؛ بنابراین تحریم را از دو منظر یکی فورس ماژور و دیگری تغییر اوضاع و احوال مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### ۳-۱-۳ تحریم از منظر فورس ماژور

فورس ماژور که در فارسی به قوه قاهره یا قوه قهریه ترجمه شده است عبارت است از یک مانع غیرقابل اجتناب ناشی از رویدادهای خارجی که اجرای تعهد را غیرممکن می‌سازد. در تعریف دقیق فورس ماژور برای آن معنای عام و خاص بیان شده است. معنای عام آن عبارت است از هر حادثه خارجی که خارج از حیطه قدرت متعهد است و غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب بوده و مانع از اجرای تعهد می‌گردد؛ اما در معنای خاص آن عبارت است از حادثه‌ای که صرفاً به سوانح طبیعی منتسب بوده و غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب می‌باشد. [۱۵] فورس ماژور عبارت از یک مانع غیرقابل اجتناب ناشی از رویدادهای خارجی است که یا از اجرای تعهد و یا از رعایت یک قاعده حقوق بین‌الملل جلوگیری می‌کند. همه نظام‌های حقوق داخلی، رفع مسئولیت شخصی را که بر اثر قوه قاهره، اجرای تعهدات قراردادی برای او مطلقاً غیرممکن شده است، می‌پذیرند. در حقوق بین‌الملل، اثر فورس ماژور، معافیت دولت از مسئولیتی است که معمولاً به سبب عدم اجرای عهدنامه دامن‌گیر آن است. [۱۶] در حقوق ایران نیز که متأثر از حقوق فرانسه است، این نهاد، بانام اصلی خود یعنی همان فورس ماژور با معادل‌هایی، نظیر قوه قهریه و قوه قاهره وارد قوانین شده است. گاهی نیز، بدون استفاده از این عنوان‌ها تنها به بیان ارکان و نتایج آن بسنده کرده‌اند.

#### ۳-۱-۱-۱ شرایط فورس ماژور

معمولاً برای فورس ماژور سه شرط را مطرح می‌کنند: ۱- حادثه باید غیرقابل اجتناب باشد ۲- حادثه باید غیرقابل پیش‌بینی باشد و ۳- حادثه باید خارجی باشد.

غیرقابل اجتناب بودن حادثه، یعنی حادثه باید به گونه‌ای باشد که دفع آن امکان‌پذیر نباشد و بر اثر آن اجرای تعهد غیرممکن گردد. در واقع دشوار بودن غیر از ممکن نبودن است و مقصود از عدم امکان هم در این باب، عدم امکان مطلق است به عبارت دیگر عرف عمومی اجرای آن را برای همگان غیرممکن تلقی نماید زیرا ممکن است درجایی امری برای شخص خاص غیرممکن شود لکن برای دیگری امکان‌پذیر باشد این عدم امکان شخصی خواهد بود. عدم امکان شخص برای تحقق فورس مازور کفایت نمی‌کند باید عدم امکان مطلق باشد. غیرقابل پیش‌بینی بودن حادثه بدین معناست وقوع آن غیرعادی و ناگهانی باشد و معمولاً هم‌چنین حادثه‌ای در آن امر مورد تعهد وقوع پیدا نمی‌کرد؛ بنابراین اگر در زمان عقد قرارداد وقوع حادثه قابل پیش‌بینی باشد، یا پیش‌بینی گردد در این صورت در صورت شکل‌گیری آن حادثه، مورد از مصادیق فورس مازور نخواهد بود؛ زیرا یا باید تدابیر احتیاطی در آن مورد اتخاذ می‌گردید یا این‌که از عقد قرارداد خودداری می‌شد و وقتی در موردی به علم و آگاهی اقدام به عقد قرارداد می‌شود، باید بر اساس قاعده اقدام با آن پدیده برخورد کرد و از مصادیق فورس مازور محسوب نمی‌گردد. در شرط سوم حادثه نباید منتسب به شخص متعهد باشد. به عبارت دیگر عنصر اصلی خارجی بودن حادثه در فورس مازور به این معناست که فعل یا ترک فعل نباید قابل انتساب به متعهد به عنوان نتیجه رفتار ارادی شخص او باشد. از این‌روست که قانون مدنی ایران در ماده ۲۲۶ همانند ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی فرانسه بیان می‌دارد: «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان به او مربوط نمود.» [۱۵]

## ۲-۱-۳ اثر فورس مازور بر قرارداد

تحریم در فرض شمول فورس مازور می‌تواند بر اجرای قرارداد تأثیر بگذارد و موجب سقوط و انحلال و تعلیق قرارداد گردد.

## ۱-۲-۱-۳ سقوط تعهد و انحلال قرارداد

هنگامی که مانع فورس مازور برای مدتی و در یک دوره مشخص ادامه پیدا کند به گونه‌ای که ادامه قرارداد را با مشکل جدی مواجه سازد موجب انحلال قرارداد می‌شود و تعهدات طرفین قرارداد در مقابل یکدیگر با انحلال قرارداد از بین می‌رود؛ اما مواردی وجود دارد که با وجود فورس مازور موجب برائت متعهد نمی‌شود:

۱- در مواردی که متعهد به موجب قرارداد خطرات ناشی از قوه قاهره را پذیرفته و به عبارت دیگر در قرارداد تصریح شده باشد که متعهد حتی در صورت تحقق قوه قاهره، مسئول است.

۲- در مواردی که قبل از بروز حادثه فورس مازور، موعد ایفای تعهد رسیده و متعهد له اجرای آن را مطالبه کرده باشد.

۳- در مواردی که عدم امکان اجرا جزئی است و فقط شامل بعضی از تعهدات ناشی از قرارداد است. در این صورت برائت متعهد جزئی خواهد بود و نسبت به تعهداتی که ایفای آن امکان دارد، مسئولیت باقی است.

۴- در صورتی که قوه قاهره یکی از علل عدم اجرای تعهد و خسارت باشد نه علت تامه آن و تقصیر متعهد هم یکی از اسباب و علل خسارت باشد، رویه قضایی فرانسه معافیت جزئی از مسئولیت را به نسبت دخالت قوه قاهره می‌پذیرد. به عبارت دیگر، هنگامی که فورس مازور دخالت جزئی در ورود خسارت داشته و جزو علت باشد، از میزان غرامت کاسته خواهد شد.

۵- در صورتی که فورس مازور ناشی از تقصیر متعهد باشد، مانند مورد غارت کالا به وسیله دشمن بر اثر تأخیر قطار مسئولیت باقی می‌ماند. البته اثبات این که تقصیر متعهد سبب فورس مازور بوده است بر عهده متعهد له است. [۱۵]

## ۲-۱-۲-۳ تعلیق قرارداد

هرگاه وقوع حادثه‌ای که منجر به عدم انجام تعهدات شده، موقتی باشد اثر فورس مازور تعلیق قرارداد است و پس از رفع مانع، قرارداد اثر خود را بازمی‌یابد. متعهد موظف است تعهد را بر اساس قرارداد اجرا کند.

البته این حکم در صورتی است که اجرای تعهد در گذر زمان فلسفه وجودی خود را از دست نداده باشد؛ اما اگر قرارداد با گذشت زمان فایده خود را از دست داده باشد در واقع ماهیت قرارداد به طور کلی دگرگون شده و موجب انحلال آن خواهد بود. تشخیص این امر در صورتی که مرجعی از جمله داور در متن قرارداد پیش‌بینی نشده باشد به عهده دادگاه خواهد بود. [۱۵] شرط فورس مازور را باید به لحاظ آثاری که دارد در این گونه قراردادهای متفاوت از بقیه قراردادهای تنظیم کرد. با توجه به شرایط این شرط را در قرارداد گنجانند. به ویژه در

قراردادهای بلندمدت نفتی که احتمال تحریم ایران می‌رود. اگر تحریم را مصداق فورس مازور بدانیم طرف متعهد مشمول خسارت نمی‌شود و این به ضرر طرف ایرانی است.

## ۲-۳ تغییر بنیادین اوضاع و احوال

بر اساس هر یک از مکاتب حقوقی و مبانی مطرح شده در مورد این اصل، تغییر بنیادین اوضاع و احوال معنی و معیار خاصی خواهد یافت. از دیدگاه مکتب اراده ذاتی حقوق، اراده دولت بر همه چیز حاکم است و لازم نیست تغییر حاصل در اوضاع و احوال بنیادین باشد بلکه هر نوع تغییری در موضع و سیاست دولت کافی برای استناد به این اصل به منظور لغو معاهده است. در واقع آنچه اهمیت اساسی دارد، اراده و خواست دولت است. ولی طرفداران نظریه اراده متحد و مشترک دولت‌ها که تئوری شرط ضمنی را مطرح می‌کردند، تغییر اوضاع و احوال را مقید به اساسی و بنیادین بودن می‌کنند، به طوری که تغییرات مزبور، نتیجه و وضعیت جدیدی را اقتضا نمایند که برای اعضای معاهده قابل پیش‌بینی نبوده است و بنیادین بودن را هم امر نسبی می‌دانند که بستگی کامل به اراده دولت‌های عضو معاهده در زمان انعقاد آن دارد. لذا ممکن است یک تغییر نسبت به معاهده‌ای بنیادین باشد و همان تغییر نسبت به معاهده دیگر بنیادین محسوب نشود. باید دید اطراف معاهده هنگام انعقاد آن، چه اراده‌ای کرده‌اند و آن را مبتنی بر چه اوضاع و احوال منعقد نموده‌اند، لذا در این نظریه کشف اراده اعضا معاهده بسیار حائز اهمیت است. [۱۷] در روابط تجاری پیچیده دنیای امروز اطلاع کافی از اوضاع احوال و شرایط انعقاد عقد و اجرای آن لازم است. در حقوق ایران با استفاده از قواعد فقهی نفی عسر و حرج و لا ضرر بتوان حکم حرجی و یا ضرری را برداشت و حق فسخ برای متعهد قائل شد.

قراردادهای درازمدت که اجرای آن در طول سالیان متمادی تحقق می‌یابد، بیشتر در معرض تحولاتی است که آن را تحت تأثیر گذاشته و تعادل و توازن قراردادی را به هم می‌زند. موقعیت‌های دشواری غالباً در زمینه‌های بین‌المللی که طرفین قرارداد از ملیت‌های مختلف هستند و یا یکی از طرفین، دولت و طرف دیگر یک تبعه خارجی است، بروز می‌کند. نظر به این که پیش‌بینی کلیه عوامل مؤثر در قراردادهای امکان‌پذیر نیست و با توجه به تنوع حوادث و وضعیت‌های دشوار، هنگام عقد مسائلی از محاسبه طرفین خارج می‌شود. در قراردادهای مستمر که اجرای قرارداد طی سالیان متمادی صورت می‌پذیرد حفظ منافع طرفین ایجاب می‌کند که با مذاکره به توافق برسند، زیرا توقف عملیات اجرایی به ضرر طرفین خواهد بود. [۱۸] در سال‌های اخیر نویسندگان حقوقی و حقوقدانان بین‌المللی به این نکته معطوف گردیده است که به دلیل تحولات سریع در اوضاع و احوال بین‌المللی و تأثیر اجتناب‌ناپذیر آن بر قراردادهای تجاری، شرایط در خصوص موقعیت‌های دشوار در قرارداد گنجانده شود. این شرط که علاوه بر شرایط معاذیر قراردادی از قبیل فورس مازور و سایر شرایط مندرج در قراردادها است مربوط به تطبیق شرایط جدیدی است که بر اثر تغییر اوضاع و احوال و به هم خوردن تعادل موازنه قرارداد و مشکل شدن اجرای قرارداد به وجود می‌آید. [۱۷]

دولت ایران در سال ۱۹۲۷ اقدام به لغو یک‌جانبه تعدادی از معاهدات نابرابر کرد. در بسیاری از آن‌ها تصریح شده بود که دولت ایران حق لغو را یک سال بعد از اعلام آن به دولت‌های طرف معاهده دارد. ولی در معاهدات نابرابری که بین ایران و دولت‌های فرانسه و اسپانیا منعقد شده بود چنین شرطی به نفع دولت ایران وجود نداشت. ایران به فرانسه که حافظ منافع اسپانیا هم بود اعلام کرد که به استناد اصل تغییر بنیادین اوضاع و احوال، حق لغو این معاهدات را دارد لذا یک سال بعد از این ابلاغ معاهدات مذکور لغو خواهند شد. فرانسه و اسپانیا لغو یک‌جانبه معاهدات فی‌مابین را رد کرده و آن را غیرقانونی دانستند؛ زیرا برای مشروعیت لغو یک معاهده باید تغییر بنیادین اوضاع و احوال رخ دهد به طوری که اجرا معاهده غیرممکن شود. در حالی که این امر محقق نشده است. [۱۷]

## ۱-۲-۳ اثر اصل تغییر بنیادین اوضاع و احوال بر قرارداد

۱- لغو یک‌جانبه معاهدات توسط دولت‌ها: حقوقدانان زیادی معتقدند که دولت متضرر در صورت تغییر بنیادین اوضاع و احوال، حق لغو یک‌جانبه معاهدات را دارد. این نظر بیشتر با تئوری مکتب ارادی حقوق سازگار است؛ زیرا آنان قائل به وجود اصل تغییر بنیادین به صورت شرط ضمنی در معاهدات هستند که بر اساس آن، دولت متضرر در صورت تغییر بنیادین اوضاع و احوال حق لغو معاهده را خواهد داشت شرط ضمنی هم مانند شرط صریح است و اثر آن را دارد.

۲- اختتام خودبه‌خود و فی‌نفسه معاهدات: بر اساس این نظریه هرگاه اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهده، تغییر بنیادین نماید به طوری که باعث دگرگونی تعهدات ناشی از آن شود، معاهده مزبور لغو و پایان خواهد پذیرفت، وقتی معاهده‌ای علت وجودی خود را از دست داد، دیگر استمرار حیات آن توجیهی معقول نخواهد داشت؛ زیرا با تغییر بنیادین اوضاع و احوال معاهده سبب مادی خود را از دست داده و با

واقعیت‌های اجتماعی موجود متعارض و ناهماهنگ گشته است. لذا معاهده خودبه‌خود و به‌طور طبیعی، بدون دخالت اراده دولت متضرر، از بین می‌رود.

۳- حق تعدیل و تجدیدنظر در معاهدات: تغییر بنیادین اوضاع و احوال به‌عنوان یک حادثه عارضی و غیرقابل پیش‌بینی، تعادل و توازن لازم در معاهدات بین‌المللی را از بین می‌برد و تنها راه برقراری مجدد این تعادل بین حقوق و تعهدات معاهده، تجدیدنظر و تعدیل آن است. از این طریق هم به اصل لزوم وفا به معاهدات عمل می‌شود و هم بین دو عنصر ثبات و تغییر معاهدات هماهنگی و تعادل برقرار می‌گردد.

۴- توقف اجرای معاهدات بین‌المللی: توقف اجرای معاهده یا تعلیق آن بدین معناست که آثار معاهده به‌طور موقت مرتب نمی‌شوند و در عین حال معاهده به قوت خود باقی است و با از بین رفتن علل و اسباب توقف یا تعلیق، معاهده قدرت اجرایی خود را بازخواهد یافت و آثار آن مرتب می‌شوند. [۱۷]

#### ۴- نتیجه‌گیری

اثرات بلندمدت و میان‌مدت تحریم‌های نفتی در تغییر ترکیب شرکت‌های فعال نفتی در صنعت نفت و گاز کشور قابل مشاهده است که به‌صورت خروج شرکت‌های معتبر بین‌المللی از طرح‌ها و پروژه‌های اصلی است. امروزه مجازاتی که برای عدم تبعیت از تحریم‌های اقتصادی در نظر گرفته می‌شود گاه یک شرکت را تا مرز نابودی پیش می‌برد. از این رو نمی‌توان متعهد را به دلیل وضع تحریم‌های اقتصادی که ادامه روابط قراردادی را ناممکن ساخته است وادار به اجرا کرد؛ زیرا در این وضعیت او متحمل مجازات گزافی خواهد شد و این عادلانه نیست. همان‌طور که بر اساس قانون برخی از کشورها، اجرای تعهدی که متعهد را تا مرز قربانی شدن پیش ببرد لازم‌الاجرا نیست. طولانی بودن برخی قراردادهای نفتی و تعهدات متنوع و پرهزینه آن در نهایت سرمایه‌گذاری عظیمی را بازنمایی می‌کند. قراردادهای نفتی بالادستی از جمله گران‌ترین قراردادها در پروژه‌های بین‌المللی محسوب می‌شوند. اجرای تعهدات توسط طرفین قرارداد امری مهم محسوب می‌شود. این قراردادها همواره با تهدیداتی از جمله تحریم روبه‌رو هستند. اگر تحریم را از مصادیق فورس ماژور محسوب کنیم با آثار آن از جمله سقوط و انحلال قرارداد و تعلیق مواجه هستیم. تحریم‌هایی که توسط کشور آمریکا و سایر کشورها صورت گرفته، موجب شده که پیمانکاران نفتی به بهانه تحریم و عدم امکان اجرای قرارداد، از قرارداد خارج شوند و این مسئله آسیب جدی به صنعت نفت ایران وارد کرده است.

در اینجا دو رویکرد داریم رویکرد اول این است که اگر تحریم را به‌عنوان یکی از مصادیق فورس ماژور قرار بدهیم دیگر نمی‌توان الزام متعهد به ایفای تعهدات را از وی مطالبه کرد. رویکرد دوم تحریم را مصداق فورس ماژور ندانیم باید راهکار دیگر برای آن اندیشید. قراردادهای نفتی، همواره با مقوله‌ای به نام ریسک همراه است. منظور از ریسک، احتمال بروز نتایج متفاوت با پیش‌بینی یا انتظارات طرفین است. در تخصیص و توزیع ریسک، سعی بر آن است که ریسک به طرفی منتقل شود که بهتر می‌تواند آن را تحت کنترل خود درآورد و یا از وقوع آن جلوگیری کند. از آنجاکه کشور ایران همواره در تحریم اقتصادی به سر می‌برد، ناگزیر می‌شود که با شرکت‌های نفتی بین‌المللی سازش کند و نمی‌تواند تحریم را از مصداق فورس ماژور خارج کند چون ممکن است طرف خارجی از انعقاد قرارداد منصرف شود. اگر تحریم‌های اقتصادی را به‌عنوان ریسک تلقی کنیم و به شکل عادلانه بین طرفین توزیع شود روش مناسب‌تری است.

هنگامی که طرفین بر هم خوردن تعادل قراردادی را به سبب تغییر اوضاع و احوال مانند تغییر رژیم تحریم‌ها پیش‌بینی می‌کنند جهت جلوگیری از اختلافات آینده می‌توانند در زمان انعقاد قرارداد، شروطی برای بازگرداندن تعادل به تعهدات طرفین در نظر بگیرند. به‌طور کلی شروط مزبور به دو شکل هستند: نخستین شروطی که در آن‌ها مبنا معلوم و معینی برای تجدیدنظر در قرارداد گرفته شده است. دوم شروطی که ذیل آن‌ها مبنای مشخصی برای تجدیدنظر تعیین نشده است. در هر یک صورت‌های فوق ممکن است دخالت شخص ثالث و یا حتی یکی از طرفین جهت تعیین میزان دفعات و مدت‌زمان آن تعیین می‌شود. در این صورت، اگر تجدیدنظر در قرارداد با مذاکره و توافق طرفین قرارداد به انجام رسد در صحت آن نمی‌توان تردید کرد، چراکه اراده مشترکی که منجر به قرارداد اولیه شده است در اینجا نیز وجود دارد و می‌تواند در قالب الحاقیه یا اصلاحیه قرارداد پیشین را تعدیل کند.

#### ۵- منابع

[۱] مؤمنی وصالیان، هوشنگ، غنیمی فرد، حجت اله و محمودی، محمد، بررسی مقایسه‌ای قراردادهای بیع متقابل و مشارکت در تولید در پروژه‌های بالادستی صنعت نفت و گاز ایران، فصلنامه علوم اقتصادی، سال دوم، شماره ۶، ۱۳۸۸.

[۲] نوروزی خیابانی، مهدی، فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۴.

[۳]Barry, Carter. E. "International Economic Sanctions: Improving the Haphazard U.S. Legal Regime", California Law Review ۷۵(۴), ۱۹۸۷.

- [۴] ظریف، محمدجواد و میرزایی، سعید، مباحث حقوق بین‌الملل: تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران، سال یازدهم، شماره ۱، ۱۳۷۶.
- [۵] گراهام ایوانز و جفری، نونام، فرهنگ روابط بین‌الملل. ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طراز کوهی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱.
- [۶] زهرانی، مصطفی، مبانی نظری تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران: موانع و چالش‌های نفت ایران، بررسی‌های مسائل اقتصاد انرژی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۷.
- [۷] قادری، عبدالواحد و دیگران، بررسی اصول و قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، تهران، کتاب آوا، ۱۳۹۴.
- [۸] غمامی، سید محمد مهدی، تحلیل گفتمان ضد حقوقی تحریم‌های آمریکا علیه دولت ایران، فصل‌نامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۹۲.
- [۹] یآوری، کاظم و محسنی، رضا، آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی، مجلس و راهبرد، شماره ۶۱، ۱۳۸۸.
- [۱۰] ابراهیمی، سید نصرالله و اوپار حسین، شادی، آثار تحریم بر اجرای قراردادهای بازرگانی بین‌المللی از منظر فورس ماژور، دو فصل‌نامه دانش حقوق مدنی، شماره دوم، ۱۳۹۱.
- [۱۱] وکیل، امیرساعد و تحصیلی، زهرا، ایران و تحریم‌های بین‌المللی، چ اول، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۲.
- [۱۲] مشهدی، علی، رشیدی، مهناز، تأثیر تحریم‌های وضع شده علیه ایران بر محیط‌زیست، انرژی و انتقال تکنولوژی از منظر حقوق بین‌الملل، فصل‌نامه پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، شماره ۴۶، ۱۳۹۴.
- [۱۳] صیادی، محمد و برکشلی، فریدون، اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌های بین‌المللی نفتی بر بخش انرژی ایران، گزارش راهبردی، شماره ۱۵۵، ۱۳۹۱.
- [۱۴] صادقی زیازی، حاتم و بقائی برزآبادی، افسانه، آثار حقوقی تحریم‌های بین‌المللی هوشمند در چارچوب قطعنامه‌های شورای امنیت با تأکید بر تدارکات در صنعت نفت ایران، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۵۳، ۱۳۹۴.
- [۱۵] خوئینی، غفور، بررسی تطبیقی حقوق تعهدات، چ اول، تهران، نشر فرهنگ صبا، ۱۳۸۶.
- [۱۶] صفایی، سید حسین، قوه قاهره یا فورس ماژور، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳، ۱۳۶۴.
- [۱۷] حسینی، سید احمد رضا، تأثیر تغییر بنیادین اوضاع و احوال بر معاهدات بین‌المللی، چ اول، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۸.
- [۱۸] صادقی مقدم، محمدحسن، مطالعه تطبیقی «تأثیر تغییر اوضاع و احوال بر قرارداد» و راه‌حل حقوق ایران، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۵، ۱۳۷۹.